

دکترین پیامبر اعظم (ص) در سرایا (گروه‌های گشتی)

مصطفی آخوندی
مربی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

جنگ‌های عهد رسول خدا (ص) را به دو نوع تقسیم کرده‌اند: «غزوات» و «سرایا».

سرایا - بر خلاف غزوات - جنگ‌هایی است که رسول خدا (ص) در آنها حضور نداشته است.

رسول خدا (ص) از سال اول هجری تا سال نهم هجری حدود ۴۷ سریه به مناطق گوناگون اعزام کرد و هدف او، شناسایی منطقه جغرافیایی، آشنایی با قبایل عرب و بستن پیمان با آنها، نا امن ساختن راههای تجاری قریش، مانور نظامی، مقابله با اشراک و مانند آن بود.

آن حضرت نظارت کامل بر سرایا داشت و از آغاز تا حصول نتیجه پیگرد عملکرد آنان بود تا از مسیر الهی و ارزش‌ها و قوانین اجتماعی منحرف نشوند. این مقاله با ارائه جدولی از سرایا، در صدد تبیین دکترین رسول اعظم (ص) در این موضوع می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: دکترین، سرایا، گروه‌های گشتی رزمی، سیره نظامی پیامبر (ص)، اهداف، قوانین و مقررات.

مقدمه

رسول گرامی (ص) در سیزده سال دوران مکی، به دلایلی مأمور به صبر و شکیبایی در مقابل توطئه‌ها، تبلیغات و اذیت و آزار و شکنجه‌های مشرکان و دشمنان خدا بود. ولی در دوران مدنی با تأسیس حکومت اسلامی، این ممنوعیت برداشته شد و مسلمانان اجازه یافتند با دشمنان

اسلام جهاد کنند. آیات ۳۹ و ۴۰ سوره حج و آیه ۸۴ سوره نساء و دهها آیه جهادی دیگر مؤید این مطلب است. حال فرصتی پیش آمده بود تا مسلمانان از خود دفاع کنند، مسلمانانی که سیزده سال در ظلم و ستم مشرکان می‌سوختند و حتی حق حیات و زیست نداشتند و مظلومانه از شهر و دیار و خانه خود بیرون شدند و مشرکان به ستم همه دارایی و اموال آنان را مصادره کردند، دیگر زمان شکنجه و دم فرو بستن و ستمکشی به سر آمده بود. خداوند نه تنها به آنان اجازه داده بلکه تکلیف کرده بود که از حقوق و آرمانهای خود دفاع کنند و با دشمنان خدا و انسانیت، چون منطقی خودشان رفتار نمایند. در این راستا سرایا (=گروههای گشتی رزمی - اطلاعاتی) که بیشتر توسط مهاجران انجام می‌گرفت سازماندهی شد و گاه تا عمق اردوگاه و پایگاه دشمن پیش می‌رفت و با موفقیت عملیات خود را انجام می‌داد.

سرایا جمع سریه به گروههای گشتی رزمی - اطلاعاتی گفته می‌شود که پیامبر (ص)، خود در آنها حضور نداشت، بلکه گروهی رزمنده را با تعیین فرمانده برای مأموریت‌های گوناگون اعزام می‌نمود.

اعزام گروههای گشتی - رزمی از سال اول تا سال نهم هجری ادامه یافت، و هر گروهی از یک نفر تا ۵۰۰ نفر سازماندهی می‌شد؛ تنها در سریه موته، سه هزار نفر شرکت داشتند. در مدت نه سال حدود ۴۸ سریه انجام گرفت. البته در تعداد سرایا بین مورخان اختلاف است. برخی کمتر از ۴۸ و برخی بیشتر از ۴۸ عدد نام برده‌اند. و شاید سزا اختلاف این باشد که گاه یک سریه به دو نام ذکر شده است. مثلاً سریه عبدالله بن جحش و سریه نخله که هر دو نام یک سریه می‌باشند و یا برخی سرایا چون در تکمیل غزوه‌ای انجام گرفته، برخی مورخان آن را مستقلاً ذکر نکرده‌اند بلکه آن را مکمل غزوه دانسته‌اند مانند: سریه غالب بن عبد الله لیبی که پس از غزوه الکداز همان منطقه انجام گرفته است. در هر صورت ملاک تعداد سرایا و گروههای گشتی نیست، بلکه آنچه در این نوشتار مورد توجه است، آشنایی با دکتربین پیامبر اعظم (ص) در سرایا می‌باشد.

۱. جدول سرایا

این جدول بر اساس سال مأموریت تنظیم شده و نام، هدف، مکان، تعداد نیروی مسلمانان و دشمنان و نتایج عملیات مشخص شده است. نام ۴۷ سریه در این جدول آمده است.

مآخذ	نتایج عملیات	تعداد دستیان	تعداد مسلمانان	تعداد عملیات	مکان عملیات	زمان وقوع	هدف	تأمین کننده	ردیف
مغازی ۹/۱ سیره ابن هشام ۲۴/۵۲	با واسطه گری مجدی بن عمرو جهشی مسلمان که با هر دو گروه آشنایی داشت جنگی رخ نداد.	۲۰۰ سواره به فرماندهی ابو جهل	۲۰ مهاجر سواره نظام	عین ساحل دریای شرح	رمضان سال اول هجری	تعرض به کاروان قریش که از شام به مکه باز می گشت و زدن ضربه اقتصادی به دشمن	حمزه [حضرت]	۱	
مغازی ۱۰/۱ سیره ابن هشام ۲۴/۱۲	صرفاً بین دو گروه تیاران تیز شد و دشمن گرفتار و تمعین صورت نگرفت. سعد بن ابی وقاص نخستین کسی بود که اقدام به شلیک تیز کرد. دو نفر از مسلمانان که در کاروان قریش بودند به مسلمانان پیوستند.	بیش از ۲۰۰ سواره و پیاده به فرماندهی ابوسفیان	۶۰ مهاجر سواره نظام	رایج ده میلی جحفه	شوال سال اول هجری	گشت زنی و دفع خطرات احتمالی	عبیده بن حارث	۲	
مغازی ۱۱/۱ سیره ابن هشام ۲۵/۱۲	دستیابی به کاروان تجارتی قریش هدف بود که نافرجام ماند و یک روز قبل کاروان از منطقه مأموریت گذاشته بود	کاروان تجارتی قریش ۶۰ نفر	۲۰ مهاجر پیاده نظام	خززار در راه جحفه نزدیک خم	ذی قعدة سال اول هجری	ضربه اقتصادی به دشمن	سعد بن ابی وقاص	۳	
مغازی ۱۱-۱۲/۱ سیره ابن هشام ۲۵-۲۵/۲	دستیابی به قافله تجاری مشرکین یک کشته از مشرکین - دو اسیر و غنایم بسیار - چون جنگ در ماه حرام رخ داد پیامبر غنایم را نیز گرفت تا آیه شریفه نازل شد. بقره ۲۱۷	۴ نفر یا ۳۹ نفر سیره حلبیه ۱۱۶/۲	۱۲ مهاجر یا ۸ نفر	نخله (بین مکه و طائف)	رجب سال دوم هجری	شناسایی و جمع آوری اطلاعات	عباده بن جحش یا نخله	۴	
مغازی ۱۳/۱ الصحیح سن سیره النبوی (ص) ۱۳/۳	دشمن کشته شد و مأموریت با موفقیت انجام گرفت	یک نفر پیاده که علیه اسلام تبلیغ و جو سازی می کرد	یک نفر	شمال مدینه خانه عصماء	رمضان سال دوم هجری	مقابله با تبلیغات منفی دشمن و ترور دشمن	عمر بن عدی	۵	
مغازی ۱۳/۲ الصحیح من سیره النبوی ۱۳/۲	با کشته شدن دشمن عملیات با موفقیت انجام گرفت	یک نفر پیاده که علیه اسلام تبلیغ می کرد	یک نفر	شمال مدینه	شوال سال دوم هجری	مقابله فیزیکی با تبلیغات منفی دشمن ترور ابوعتک	سالم بن عمیر عمری یا قتل ابی عتک	۶	
مغازی ۱۳/۱ طبقات الکبری ۱۱/۲	دگرگیری رخ نداد	۳۰ نفر به فرماندهی ابوسفیان	۲ نفر	التخار یا خار	رمضان سال دوم هجری	جمع آوری اطلاعات از کاروان قریش	طلحة بن عبید الله و سعد بن زید	۷	

مخاطب	نتایج عملیات	تعداد دشمنان	تعداد مسلمانان	مکان عملیات	زمان وقوع	هدف	نام سرب	رویداد
مغازی ج ۱، ص ۱۸۴	عملیات با موفقیت انجام گرفت و کمپ بن اشرف از سران یهودی کشته شد و رب و هراس در دل یهودیان انگیزه شد	۱ نفر	۵ نفر به فرماندهی محمد بن مسلمه	ناحیه شعب المعجز در شمال مدینه	ربیع الاول سال سوم هجری	مقابله فیزیکی با تبلیغات دشمن و از میان برداشتن کمپ بن اشرف یهودی که با اشعار خود اسلام و پیامبر را هجو می کرد	محمد بن مسلمه	۸
۶۲۳	این سینه کشته شد و یهودیان از این واقعه به شدت ترسان شدند.	۱ نفر این سینه	۱ نفر (حویصه بن مسعود)	مدینه	ربیع الاول سال سوم هجری	مقابله فیزیکی با تبلیغات دشمن و ترور این سینه از بزرگان یهودی تاجر و شاعر که علیه پیامبر(ص) توطئه می کرد و شعر می سرود	حویصه بن مسعود یا قتل این سینه	۹
مغازی ۱۹۷/۱	امارت دوتن و دستیابی به غنایم حدود صد هزار درهم	کلوان تجاری به فرماندهی ابوسفیان بن حرب	۱۰۰ نفر	قره در سرزمین نجد ۱۵۰ کیلومتری مدینه	جمادی الآخر سال سوم	شربه اقتصادی به دشمن و ناامن کردن راه تجاری قریش از راه عراق به شام	قره بازید بن حارثه	۱۰
مغازی ۳۳۴/۱	معاویه بن مغیره، پسر عموی عثمان که در جنگ احد شرکت و در محله کردن حضرت حمزه شرکت داشت و پیمان شکسته بود کشته شد	۱ نفر	جمعی به فرماندهی علی بن ابیطالب (ع)	اطراف مدینه	شوال سال سوم	برخورد فیزیکی با پیمان شکنان	علی بن ابیطالب یا قتل معاویه بن مغیره	۱۱
تاریخ یسقطوی ترجمه ۴۴۲/۱	قبل از آنکه به او دست یابد ماری او را گرفته و کشته شد	۱ نفر	۱ نفر	اطراف مدینه	شوال سال سوم	ترور	قتل ابن ابی حدیجه	۱۲
طبقات ۳۴۰/۲	فراری شدن بنی اسد و به جای گذاشتن گوسفندان و شتران	قبیله بنی اسد برای حمله به مدینه به فرماندهی طلحه و سلمه دو پسر خویلد	۱۵۰ نفر	قطن آبادی بنی اسد ۳۲۰ ک.م مدینه	محرم سال چهارم هجری	دفع توطئه نظامی دشمن قبل از وقوع	ابوسلمه	۱۳
مغازی ۲۴۰/۱	سپاه اسلام با غنایم زیادی به مدینه بازگشت							

مآخذ	نتایج عملیات	تعداد دشمنان	تعداد مسلمانان	مکان عملیات	زمان وقوع	هدف	نام سر به	ردیف
۴۲	چهاره خیب پس از ۲۰ روز شهادت از طرف راست آورده العیانه والنهایه	۷۰ نفر	۲ نفر	تعمیر ۶ کیلومتری	ربیع الاول سال پنجم هجری	رهائی جنازه شهید حادثه ربیع از چنگ مشرکان مکه	زید بن عوام و مقداد بن اسود	۱۹
۴۵/۱	شده چون تکبهاان غیر شدند چاره شهید را بر زمین گذاشتند و به مقاله با مشرکان پراخاند زمین چاره را بامید و دشمن به آن دست نیافت و زبیر و مقداد سالم به مدینه بازگشتند	طایفه بنی اسد	۴۰ نفر	الفر (آبگامی از بنی اسد) از توابع مدینه	ربیع الاول سال	حمله به برخی قبائل (احتمالاً بنی اسد)	عکاشه بن معصن	۲۰
۱۵۵/۱	مسلمانان به کمین دشمن افتاده نه تن شهید و محمد بن مسلم مجروح شد که توسط هکتری به مدینه آورده شد. از دشمن یک نفر کشته شد.	بنی ثعلبه و بنی عورن ۱۰۰ نفر	۱۰ نفر	ذی القاصه کیلوتری مدینه	ربیع الاول سال	حمله به قبائل بنی ثعلبه و عوال	محدثیم سلسله به ذی القاصه	۲۱
۱۵۵/۲	دشمن به کوهها گریخت و یک نفر اسیر و تعدادی گوسفند به دست مسلمانان افتاد	طواریف بنی ثعلبه، محارب و انصار	۲۰ نفر	ذی القاصه محل قبله طی	ربیع الثاني سال ششم هجری	تشبیه قبائل بنی ثعلبه و انصار که قصد حمله به مدینه را داشتند	امی عبیده جراح	۲۲
۱۷۲/۳	بنی سلیم فراری شدند یک زن و چند مرد اسیر و تعدادی گوسفند و شتر به غنیمت مسلمانان درآمد	طایفه بنی سلیم	تعدادی	جموم یا جموم در منزلی مدینه	ربیع الثاني سال ششم هجری	حمله به قبیله بنی سلیم	زید بن حارثه به ناحیه جموم یا جموم	۲۳
۹/۲	کاروان و هر چه در آن بود از قبیل شتران و گوسفندان و تعدادی اسیر به غنیمت مسلمانان درآمد	کاروان قریش	۱۷۰ نفر سواره نظام	العیص ۴ شب راه تا مدینه	جمادی الاخری سال ششم هجری	ضربه اقتصادی به دشمن. حمله به کاروان تجاری قریش که از شام برمیگشت	زید بن حارثه به ناحیه العیص	۲۴
۹/۲	دشمن گریخت و تعدادی گوسفند و شتر به غنیمت گرفتند (در کتاب تاریخ پیامبر اسلام دکتر آیتی آمده ۲۰ شتر به غنیمت گرفتند و کفار گریختند)	طایفه بنو ثعلبه	۱۵ نفر	الطرف ۲۶ مایلی مدینه	جمادی الثاني سال ششم هجری	ضربه اقتصادی به دشمن	زید بن حارثه به ناحیه طرف	۲۵

مآخذ	نتایج عملیات	تعداد دشمنان	تعداد مسلمانان	مکان عملیات	زمان وقوع	هدف	نام سرب	رتبه
۲۲۷۴ تاریخ و التاریخ ۵۶-۱۲	بدون خونریزی و جنگ رهبر بنی کلب تسلیم شد	بنو کلب به فرماندهی اصبح بن عمرو کلبی	۷۰۰ نفر	دومة الجندل در مسیر شام	شعبان سال ششم هجری	دعوت قبیله کلب به اسلام از مسیحیت	عبد الرحمن بن عوف	۲۶
۱۷۹۴ البداية و النهاية ۵۶۲-۵۶۳	بنی سعد و خاندانهایشان گریختند و بدون اینکه جنگی صورت بگیرد، مسلمانان پانصد شتر و دو هزار گوسفند غنیمت گرفتند و یک دشمن به اسارت درآمد.	بنی سعد بن بکر این قبیله جمع شدند تا به یهودیان خیبر کمک کنند ۲۰۰ نفر	یکصد نفر	فصیح (ازهای بین خیبر و فدک)	شعبان سال ششم هجری	دفع توطئه نظامی دشمن	علی بن ابی طالب (ع)	۲۷
۱۴۹۳ تاریخ التخصیص ۲۹۲۳ سیره ابن هشام	دشمن گریخت و مسلمانان به آنان دست یافتند	حارث مزنی	تعدادی از مسلمانان	منطقه عسفان ۳۶ مایلی مکه	ربیع الاول سال ششم هجری	حمله به قبیله بنی مالک بن نهر در غزوه بنی لحيان	هلال بن حارث	۲۸
همان	درگیری رخ نداد	-	۱۱ نفر	کراع الغصم قبل از منطقه عسفان	ربیع الاول سال ششم هجری	ایجاد رعب در اردوگاه دشمن در غزوه بنی لحيان	ابوبکر	۲۹
۵۵۸-۵۵۵۲ معاری	تعدادی از نیروهای دشمن کشته شده و هزار شتر، پانصد گوسفند به غنیمت، و صد نفر زن، کودک به اسارت درآمدند به دلیل مسلمان شدن، رفاغه و طایفه او، اسیران آزاد و همه اموالشان بازگردانده شد.	دشمن به فرماندهی رفاغه بن زید	۵۰۰ نفر	جیمی چهار روز راه تا مدینه	جمادی الاخر سال ششم هجری	پاسخ به شراذمهای دشمن	زید بن حارثه به حسنی	۳۰
۱۷۲۲ سیره حلبیه	یازده نفر از دشمن کشته و تعدادی شتر و گوسفند به غنیمت گرفته و سریع به مدینه بازگشتند	قبیله محارب	۲۰ نفر	الیکرات حدود ۳۲۶ کیلومتری مدینه	محرم سال ششم	ضربه اقتصادی به دشمن	قرطاه یا محمد بن مسلم	۳۱

تاریخ	تفصیلات عملیات	تفصیلات دشمنان	تعداد دشمنان	مکان عملیات	زمان وقوع	هدف	نام سربره	توضیح
۱۱/۳ ۵۴۸۲	کار به نزد خوردن مسلمان و بنی فزاره کشته شد و عدای از افراد زید به شهادت رسیدند از جمله هردین عمرو بن مرث	بنی فزاره (به قول دکتر آینی) از کتاب تاریخ پیامبر اسلام) به فرماندهی ام قرنه	عدای از مسلمانان	وادی القری - مدینه	ماه رمضان سال ششم هجری	دفع توطئه قبیله بنی فزاره در وادی القری	زید بن حارثه بنام قرنه	۳۳
۵۴۹	پیامبر عبدالله را به همراه ۳ نفر به تحقیق درباره یهودیان خبیر فرستاد وی نیز پس از تحقیقات کامل برای گزارش دادن به حضور پیامبر رسید.	۳۰ نفر از قبیله غطفان به فرماندهی اسیر بن زایم	۲۰ نفر	وادی القری - خبیر (به نقل از کتاب تاریخ اسلام)	رمضان سال ششم هجری	جمع آوری اطلاعات از دشمن	عبدالله بن رواحه	۳۴
۵۴۹ - ۵۴۸۲	تمام نیروهای دشمن اسیر شدند و ۱۴ شتر از ۱۵ شتر پیامبر (ص) را که دشمن در دیده بود از دشمن پس گرفتند.	هشت نفر از گروه قیس بن کبه از قبیله بجلیه	۲۰ سوار	جماه	ماه شوال سال ششم هجری	سرکوبی دشمنان اشرار	کرز بن جابر	۳۵
۷۲۲/۲	بدون جنگ این سربره با فرار مشرکین به پایان رسید.	عدای از طائفه هوازن	۲۰ نفر	ترویج صحرازی در نزدیکی مکه	ماه شعبان سال هفتم هجری	سرکوبی دشمن	عمرو بن خطاب	۳۶
۷۲۲/۲	عدای (هفت نفر) از دشمن کشته شدند.	هوازن	تعدادی	نزدیکی مکه	ماه شعبان سال هفتم هجری	تادیب بنی کلاب	ابن بکر به نجد	۳۷
۷۲۲/۲	مسلمانان فرار کردند و بنی سعد مجروح شد.	قبیله از یهودیان	۲۰ نفر	فدک	شعبان سال هفتم هجری	تادیب بنی مزه	بنی سعد	۳۸
۷۲۲/۲	اشرف قوم در این سربره کشته شدند و عدای گوسفندان و چهار پایان را غنیمت برد.	طایفه بنی ثعلبه	۱۳۰ نفر	المیثمه در نجد	ماه رمضان سال هفتم هجری	تادیب بنی عوال و بنی عبید	غالب بن عبدالله	۳۹
۷۲۸ - ۷۲۲/۲	غطفان فراری شدند و چهار پایان را رها کردند از آنان دو نفر اسیر شدند که بعداً اسلام آوردند و آزاد گشتند.	غطفان از قبیله جناب	۲۰۰ نفر	جناب در خبیر	شعبان سال هفتم هجری	تادیب غطفان در نزدیکی خبیر	بنی سعد انصاری	۴۰

مخاطب	نتایج عملیات	نظرات دشمنان	تعداد مسلمانان	مکان عملیات	زمان وقوع	هدف	نام سریه	زودیت
۷۵۲-۷۵۱/۲	بازار و سیل بین دو جبهه فاصله انداخت و جنگی صورت نگرفت	بنی ملوح	۱۶-۱۲ نفر	گدید	مصر سال هشتم هجری	سرکوبی بنی ملوح در کدید	غالب بن عبدالله الیثی	۳
۷۵۲/۲	قوم فرار کردند و غنایم فراوانی به دست مسلمانان افتاد که سهم هر نفر ۱۵ شتر شد.	بنی عامر از حوزان	۲۴ نفر	السیثی	ربیع الاول سال هشتم هجری	سرکوبی جمعی از حوزان	شجاع بن وهب اسدی	۳۱
۷۵۲-۷۵۲/۲	۱۴ تن از مسلمانان به دست دشمنان به شهادت رسیدند، یک نفر توانست خود را به مدینه برساند و به پیامبر(ص) خبر دهد.	-	۱۵ نفر	ذات الطلح در سرزمین شام	هشتم هجری	دعوت قوم ذات الطلح به اسلام	کعب بن عمیر غفاری	۳۲
۷۷۶-۷۷۴/۲	مسلمانان بی تان و قوت مانده در معرض گرسنگی شدید قرار گرفتند و جنگی رخ نداد	طایفه خبیه	۲۰۰ نفر	ساحل دریای سرخ	رجب سال هشتم هجری	مقابله با طایفه خبیه	الخطب به فرماندهی ابو عبیده جراح	۳۳
۷۷۸-۷۷۷/۲	عدنای از دشمن کشته و تعدادی گوسفند به غنیمت مسلمانان افتاد	قبیله غطفان	۱۶ نفر	نجد	شعبان سال هشتم هجری	سرکوبی غطفان در نجد	ابو قتاده انصاری یا خضیره	۳۴
۹۸۳/۲	فرار دشمن و عدم درگیری.	اهل شعبیه	۳۰۰ نفر	آبوهی قبیله	ربیع الثانی سال نهم هجری	-	عسقمه بن شجرز	۳۵
۹۸۳/۲	انهدام بتخانه با موفقیت انجام گرفت و غنایمی به دست مسلمانان افتاد	-	۱۵۰ نفر	منطقه خاندان حاتم طائی	ربیع الثانی سال نهم هجری	انهدام بتخانه مشرکان به نام قلس	غذابی	۳۶
۱۰۸۱-۱۰۷۹/۳	دشمنان اسلام را نهبذیرفت، جنگ رخ داد و مسلمانان به غنایم فراوانی از قبیل پارچه و... دست یافتند.	-	۳۰۰ نفر	بین	رمضان سال نهم هجری	دعوت به اسلام	علی بن ابیطالب(ع) به یمن	۳۷

۲. اهداف سرایا

سرایا و گروههای گشتی رزمی - شناسایی با چه انگیزه و هدفی سازماندهی می شدند؟ قبل از تبیین اهداف سرایا، به این نکته اشاره می کنیم که اعزام سرایا یک نوع استراتژی دفاعی را تعقیب می کرد که با تاکتیک تهاجمی انجام می گرفت. پیامبر (ص) می خواست با این استراتژی حلقه دفاعی مرکز حکومت اسلامی را تکمیل کند و راههای نشر تبلیغ اسلام را امن نماید، سرایا این اهداف را دنبال می کردند:

یک - شناخت بیشتر محیط جغرافیایی و راههای ارتباطی اطراف مدینه. مسلمانان توانستند راههای اطراف مدینه که به مکه (پایگاه مشرکان) منتهی می شد، شناسایی کنند، بویژه راههای حیاتی و مواصلاتی میان مکه و شام را، که شاهرگ حیات اقتصادی قریش به شمار می رفت.

دو - آشنایی با قبایل اطراف مدینه و انعقاد پیمان دفاعی با برخی از آنها، جهت حفظ امنیت مدینه.

سه - زیر نظر گرفتن تحرکات دشمنان و گزارش به موقع آنها به پیامبر (ص) جهت اقدامات و تصمیمات مقتضی.

چهار - ناامن ساختن راههای تجاری قریش و وارد کردن خسارات مهم به اقتصاد قریش. مسلمانان مهم ترین راههای تجاری قریش میان مکه و شام را مورد تهدید قرار دادند و امنیت قریش را در آن راهها سلب کردند. این مسئله برای تجارت قریش که تنها راه معاش آنان بود پیامدهای بسیار ناگواری داشت، و آنان را در خطر محاصره اقتصادی قرار می داد.

پنج - انجام مانورهای نظامی و رزمی به انگیزه هشدار به قریش و اعلام حضور نظامی قدرتمندانه در منطقه، مسلمانان با این مانورها به دشمنان خود اعم از قریش، یهود منافقان و اعراب بت پرست و قبایل اطراف مدینه ثابت کردند که نیرومندند و می توانند در برابر تهدیدات و تجاوز آنان بایستند و از دین و آرمانهای خود دفاع کنند.

شش - از میان برداشتن افراد شرور و توطئه گر که با قتل و غارت، امنیت را از جامعه اسلامی سلب می کردند.

هفت - پاکسازی قلمرو حکومت اسلامی (حجاز) از بت و بتخانه و بت پرستی و برجسیدن آثار طاغوت البته این سرایا پس از فتح مکه و نزول سوره براءت صورت گرفت.

۳. سفارش‌ها و اقدامات نظامی

رسول خدا(ص) بر سرایا و گروه‌های اعزامی، نظارت کامل داشت و از هنگام اعزام تا بازگشت با دقت پیگیر عملکرد آنان بود.

آن حضرت با بیان سفارش‌ها و دستورات نظامی دقیق، به فرماندهان و نیروهای تحت امرشان به آنان تأکید می‌ورزید تا از مسیر اهداف و ارزش‌های الهی و قوانین و مقررات اجتماعی منحرف نشوند، و تعصبات قومی و انتقام‌ستانی را با اهداف و انگیزه‌های الهی مخلوط نکنند. حرکت و مأموریت آنان باید «در راه خدا و برای خدا و طبق سنت رسول خدا(ص)» باشد. ملاک فی سبیل الله، شاخص و امتیاز آنان بر دیگران است. اگر از مسیر خدا و رسول خدا(ص) خارج شوند، نه تنها پاداشی نصیبشان نمی‌شود که در پیشگاه خداوند باید پاسخگوی اعمال و رفتار خود باشند. اهم این دستورات به شرح زیر بود:

۳/۱- سفارش رزمندگان به تقوا و رعایت مسائل اخلاقی، رفتاری، نظامی و حفظ ارزش‌های دینی و پرهیز از اعمال ضد انسانی؛

پیامبر(ص) از غَدْر و خیانت و نارو زدن به دشمن را نهی می‌کرد، و از مثله کردن کشته‌های دشمن، و کشتن غیرنظامیان و زنان و کودکان و آزدن زنان و هتک حرمت آنان و کشتن ناتوانان و پیران فرتوت پرهیز می‌داد. برای بیک و گروگانهای دشمن مصونیت جانی قائل و برای محیط زیست و حیوانات اهلی حرمت قائل بود و نظامیان را از بریدن درختان و آتش زدن مزارع و کشتن حیوانات اهلی جز در حال ناچاری و اضطرار نهی می‌کرد، و دعوت دشمن را به اسلام قبل از نبرد و دادن فرصت به او را لازم می‌شمرد. سفارش اکید بر هدایت دشمن داشت نه بر کشتن او. لذا به پایین‌ترین رده نظامی یعنی سرباز صرف هم، اجازه داده بود که به دشمن امان دهد تا پیرامون اسلام تحقیق نماید. به روایات ذیل توجه کنید:

یک- عَنْ أَبِي حَمْزَةَ النَّخَعِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَبْعَثَ سَرِيَّةً دَعَاهُمْ فَأَجْلَسَهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ سِيرُوا بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ لَا تَغْلُوا وَ لَا تَمْتَلُوا وَ لَا تَغْدُرُوا وَ لَا تَقْتُلُوا شَيْخًا قَانِيًا، وَ لَا صَبِيًّا وَ لَا امْرَأَةً وَ لَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تُضْطَرُّوا إِلَيْهَا وَ أَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أَذَى الْمُسْلِمِينَ أَوْ أَفْضَلِهِمْ نَظَرَ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَهُوَ جَارٌ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ فَإِنْ تَبِعَكُمْ فَأَحْوَكُمْ فِي الدِّينِ وَ إِنْ أَبِي فَأَبْلَغُوهُ مَأْمَنَةً وَ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ.^۱

«ابو حمزه نخعی» از امام صادق(ع) نقل می‌کند که فرمود: پیامبر خدا(ص) هنگامی که تصمیم به اعزام سربهای می‌گرفت، آنان را فرامی‌خواند و در برابر خود می‌نشاند و می‌فرمود: با

نام خدا و با استعانت از خدا و در راه خدا و بر راه و روش ملت رسول خدا(ص) حرکت کنید. از حدود الهی تجاوز ننمایید، (کسی را) مثله نکنید. خیانت و پیمان شکنی نکنید. پیر فرتوت و از کار افتاده، کودک و زنی را نکشید و درختی را قطع ننمایید مگر اضطرار داشته باشید و هر فردی از افراد مسلمان چه بلند مرتبه باشد یا مقام پایین داشته باشد در صورتی که به یکی از مشرکان، امان دهد، امان وی محترم است تا او بیاید و کلام خدا را بشنود؛ پس اگر اسلام آورد، او برادر دینی شماست و اگر نپذیرفت، راه در امان ماندنش (یعنی جزیه) را به او ابلاغ کنید (و یا او را به مأمثن بازگردانید) و از خدا کمک بگیرید.

دو - «مسعدة بن صدقه» از امام صادق(ع) نقل کرد که فرمود: رسول خدا(ص) هرگاه فرماندهای را برای سریه‌ای می‌فرستاد، او و یارانش را به تقوای الهی سفارش می‌کرد.

سپس می‌فرمود: به نام خدا و در راه خدا جهاد کنید و با کسانی که به خدا کفر ورزیده‌اند بچنگید (اما) نارو نزنید، خیانت و پیمان شکنی نکنید (کشته‌ها) را مثله ننمایید و طفل و نوجوان و راهب (کسی را که در قله کوهی به تنهایی زندگی می‌کند) نکشید و درختان نخل را آتش نزنید و آن‌ها را در آب غرق نکنید و درختی که میوه می‌دهد قطع نکنید. و زراعتی را آتش نزنید؛ زیرا چه بسا بدانها نیازمند شوید و از چهارپایانی که گوشت آنها خوردنی است، نکشید، مگر آن که به گوشت آنها محتاج شوید و هنگامی که دشمن را ملاقات کردید، آن را به یکی از این سه چیز دعوت کنید پس اگر اجابت کردند از آن‌ها قبول کنید و از (جنگ) با آنها چشم‌پوشید؛ (آن سه چیز عبارتند از) این که آن‌ها را به اسلام دعوت کنید؛ پس اگر پذیرفتند قبول کنید و دیگر کاری با آن‌ها نداشته باشید و آنان را بعد از اسلام آوردن به هجرت دعوت کنید. پس اگر قبول کردند از آن‌ها بپذیرید و کاری با آن‌ها نداشته باشید و اگر از مهاجرت امتناع ورزیدند و شهر و کشور خودشان را اختیار کردند و از داخل شدن به «دارالهمجرة» خودداری کردند در این صورت آن‌ها به منزله بادیه نشینان مؤمن هستند، همان قانونی که بر آنان جاری می‌شود بر این‌ها نیز جاری است؛ از غنائم چیزی به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد مگر این که در راه خدا مهاجرت کنند.

و اگر از این دو پیشنهاد، روی گرداندند پس آن‌ها را به دادن جزیه دعوت کنید (با همان شیوه‌ای که قرآن فرموده) با دست خود و با خضوع.

بنابراین اگر حاضر به اعطای جزیه شدند از آن‌ها قبول می‌شود و در این حال با آنان کاری نداشته باشید. و اگر از پرداخت جزیه نیز خودداری کردند، در این صورت برای جنگ با آن‌ها از خدا کمک بخواه و با آنان در راه خدا جهاد کن به نحوی که حق جهاد در راه خدا ادا شود. و

هنگامی که قلعه‌ای را محاصره کردی و اهل قلعه از تو خواستند که در اجرای حکم خدا نسبت به آن‌ها کوتاه بیایی، کوتاه نیا؛ اما در حکم قانون خودت، دربارهٔ آنان تخفیف بده و هر گونه که می‌خواهی دربارهٔ آن‌ها عمل کن (زیرا) اگر شما در اجرای حکم خدا تخفیف قائل شوی نمی‌دانی که آیا حکم خدا را دربارهٔ آن‌ها پیاده کرده‌ای یا نه. و هنگامی که اهل قلعه‌ای را محاصره کردی پس اگر از تو اجازه خواستند که نسبت به حقوق و پیمان خدا و رسولش به آن‌ها تخفیف دهی چنین کاری را نکن؛ اما در حقوق و پیمان‌های خودتان و پدران و برادرانتان به آن‌ها تخفیف ده؛ زیرا اگر شما پیمان خود و پدران و برادرانتان را بشکنید در روز قیامت برای شما آسان‌تر است از این که پیمان و حقوق خداوند و پیامبرش (ص) را نادیده بگیری و بشکنید.^۲

سه - عن امیرالمؤمنین (علیه السلام): «ان رسول الله (صلی الله علیه و آله)، کان اذا بعث جيشا او سرية، اوصی صاحبها بتقوی الله فی خاصة نفسه، و من معه من المسلمین خیرا، و قال: اغزوا بسم الله و فی سبیل الله - الی ان قال - و لا تقتلوا ولیدا، و لا شیخا کبیرا، و لا امرأة - یعنی ان لم یقاتلکم - و لا تثلوا، و لا تغلوا، و لا تغدروا».^۳

از امیر مؤمنان روایت شده که فرمود:

«پیغمبر خدا(ص) هر گاه لشکر یا فوجی را به منطقه‌ای اعزام می‌کرد به آنان اندرز می‌داد. به فرمانده آنها سفارش می‌کرد که از (محرمات) الهی، پروا کند، و کسانی را که با وی بودند به نیک رفتاری فرامی‌خواند و می‌فرمود: بچنگید به نام خدا و در راه خدا. تا آن که فرمود:

و نوزادان و پیران و زنان را نکشید. - مقصودش این بود که اگر اینان با شما نجنگند - و کسی را مثله نکنید، و دست خیانت به غنایم نزنید، و پیمان شکنی نکنید.

امام علی(ع) در آستانه مأموریت خود به یمن پرسید: یا رسول الله! چگونه عمل کنیم؟ پیامبر(ص) فرمود: آنگاه که به منطقه قوم رسیدی و در برابرشان قرار گرفتی، آغاز به جنگ نکن تا آنان جنگ با تو را شروع کنند، پس اگر جنگ را شروع کردند، با آنان نبرد نکن تا اینکه از شما کسی کشته شود، و اگر کسی از شما کشته شد نیز صبر کن و شتاب نکن، آنگاه آنان را به توحید و گفتن لا اله الا الله دعوت کن، اگر قبول کردند، به نماز و اعطاء صدقات دعوتشان کن، اگر پذیرفتند، بر آنان تعدی نکن، به خدا سوگند! اگر خداوند یک نفر را به دست تو هدایت کند، برای تو ارزشمندتر از آن است که خورشید بر آن طلوع و غروب کند [کنایه از اینکه هدایت یک نفر از تمام دنیا برتر است].^۴

نکاتی که در روایات آمده یک منشور جهادی کامل را تشکیل می‌دهد و از آنها می‌توان موارد زیر را نتیجه گرفت:

۱. بیان این منشور جهادی، سیره مستمر پیامبر خدا(ص) بوده است. (کان...)
۲. به حضور طلبیدن نیروها، حاکی از نوعی احترام قائل شدن برای آنان است.
۳. سفارش فرمانده به طور ویژه به تقوای الهی، به جهت مسئولیت سنگین او، چون با جان و مال و آبروی انسانها سروکار دارد. (امره بتقوی الله فی خاصة نفسه)
۴. سفارش تمام نیروهای رزمنده به تقوا و رعایت حرمت دستورات خدا.
۵. رفتن به جهاد فقط برای خدا، و در راه خدا ارزش دارد (اغزوا باسم الله و فی سبیل الله)
۶. ممنوعیت غدر و خیانت ورزیدن و نارو زدن (لا تغدروا)
۷. وجوب وفای به عهد و حرمت پیمان شکنی (و لا تغلوا)
۸. نهی از مثله و پاره پاره کردن کشته‌های دشمن (و لا تمثلوا)
۹. نکشتن پیران فرتوت، نوجوانان و کودکان و زنان (و لا تقتلوا ولیداً و...)
۱۰. نکشتن راهبان صومعه نشین (و لا متبتلاً فی شاهی)
۱۱. نهی از آتش زدن و غرق کردن نخلها (و لا تحرقوا النخل و لا تفرقوه بالماء)
۱۲. قطع و نابود نکردن درختان میوه (و لا تقطعوا شجرة مثمرة)
۱۳. نهی از بریدن درختان مگر در حال اضطرار و ناچاری.
۱۴. به آتش نکشیدن مزارع و تاکستانها (و لا تحرقوا زرعاً...)
۱۵. نکشتن حیوانات حلال گوشت مگر در صورت ناچاری (و لا تعقروا من البهائم)
۱۶. قبل از شروع جنگ، دعوت دشمنان به سه چیز: به اسلام، به هجرت از دار الفکر به دار الهجرة و به اعطاء جزیه، اگر یکی از این سه را پذیرفتند، جنگ با آنان متوقف می‌شود. و اگر هیچکدام را نپذیرفتند با آنان جنگ می‌شود.
۱۷. کوتاه نیامدن در اجرای حکم خدا.
۱۸. جواز تخفیف مجازات دشمن بر اساس پیمان‌های بین خودتان نه بر اساس حکم خدا.
۱۹. جواز پناهندگی به دشمن برای تحقیق پیرامون اسلام.
۲۰. آغاز به جنگ نکردن.
۲۱. دعوت دشمن به اسلام و اصرار به هدایت او.

این سفارش‌ها و حساسیت‌های آن پیامبر عظیم الشان (ص) را در منابع اهل سنت و نیز منابع تشیع آمده، اما برخی مورخان و مستشرقان درباره هدف رسول خدا (ص) از سرایا چنین نوشته‌اند:

«هدف نخستین پیامبر (ص) از این اعزام‌ها، انتقام از قریش و غارت اموال آنان و اعلان جنگ علیه تمام افرادی بود که پس از این به حکم اسلام گردن ننهند»^۵ و برخی با را فراتر نهاده گفته‌اند:

قتل و غارت اموال از مهم‌ترین عواملی بود که مردم مدینه را به گرد رسول خدا (ص) جمع کرده بود!^۶

از این مستشرقان مسیحی متعصب می‌پرسیم، آیا قتل و غارت، با تقوا و رعایت قوانین و مقررات الهی در عدم تجاوز از حدود خداوندی و... سازگاری دارد؟!

قضایوت درباره سخنان و نوشته‌های مستشرقان را بر عهده خوانندگان گرامی می‌گذاریم.

۳ / ۳ - تأکید بر رعایت قوانین اجتماعی؛ رسول خدا (ص) برای قوانین اجتماعی بسیار ارزش قائل بود و بر آن تأکید می‌ورزید. هیچ‌گاه دوست نمی‌داشت برای رسیدن به هدف از قوانین عبور کرده آنها را نادیده بگیرد. در بینش پیامبر (ص) نظریه «هدف وسیله را توجیه می‌کند» هیچ جایی ندارد. از قوانینی که در بین مشرکان قبل از اسلام متداول بود، حرمت چهار ماه حرام (رجب، ذی قعدة، ذی حجه و محرم) بود. اسلام نیز آن را تأیید کرد. رسول گرامی (ص) به دلیل اینکه فرمانده یکی از سریه‌ها به نام عبدالله بن جحش به همراه هشت نفر از مهاجران، حرمت این ماهها را حفظ نکرده و به مشرکان حمله کرده بودند او و یارانش را توبیخ کرد. عبدالله به تصور اینکه اگر در ماه رجب به کاروان قریش حمله نکند، آنان وارد حرم شده و مصونیت پیدا می‌کنند، به آنان یورش برده یک نفر را کشته و دو نفر را اسیر گرفته با کالاهای غنیمتی به مدینه بازگشتند. پیامبر (ص) غنایم و اسیران را تحویل نگرفت و به عبدالله فرمود: «من هرگز به شما دستو نداده بودم که در ماه حرام نبرد کنید!». گروه اعزامی با مشاهده این وضع از چشم مسلمانان افتادند و زندگی در کامشان تلخ شد. تا اینکه خداوند این آیه را نازل کرد و گناه این قضیه را به گردن مشرکان فتنه‌انگیز انداخت و مسلمانان را تبرئه کرد.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُبَغَاتُونَكُمْ حَتَّى
يَرْدُوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ انْسَطَعُوا وَمَن يَزِدِدْ مِنْكُم عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ
أَعْيُنُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره: ۲۱۷)

از تو دربارهٔ ماه حرام می‌پرسند. در پاسخ آنان بگو: جنگ در آن ماه گناهی بزرگ و مایهٔ جلوگیری از راه خداست؛ ولی جرم بیرون راندن ساکنان مسجدالحرام بزرگ‌تر است و گناه فتنه، بزرگ‌تر از کشتار است!

این آیه در عین تثبیت سنت رایج میان اعراب و تحریم جنگ در ماههای حرام، گناه این پیشامد را به گردن قریش می‌گذارد؛ زیرا آنان بودند که مسلمانان را از خانه و شهرشان بیرون کردند، بر ضد آنان توطئه نمودند، اموالشان را مصادره کردند، و آنان هستند که دست به فتنه می‌زنند و گناه فتنه‌گری بزرگتر از قتل است. اگر آنان به چنین اعمالی دست نمی‌زدند، مسلمانان نیز آن عمل را انجام نمی‌دادند. با نزول این آیه شریفه پیامبر(ص) غنائیم جنگی و اسیران را تحویل گرفت.^۷

۳/۴ - سفارش به رازداری و استتار و در نتیجه غافلگیر ساختن دشمن

پیامبر اکرم(ص) به مسأله حفاظت اطلاعات و رازداری بسیار اهمیت می‌داد، چراکه مسأله حفاظت اطلاعات از مهم‌ترین ابزار غافلگیری است و غافلگیری از مهم‌ترین اصول جنگ می‌باشد. به دو نمونه بسنده می‌کنیم.

به ابو سلمه بن عبدالاسد - فرمانده سریه ۱۵۰ نفری که به سوی طایفه بنی اسد در ۳۳۰ کیلومتری مدینه، اعزام شده بود فرمود: شب‌ها از بیراهه حرکت کن و روزها در پناهگاهها استراحت کن و ناگهان چون صاعقه‌ای بر دشمن فرود آی تا دشمن فرصت نیابد از قبایل دیگر کمک بگیرد.^۸

- وقتی عبدالله بن جحش را به فرماندهی هشت نفر از مهاجران اعزام کرد، نامهٔ سر به مهری به وی داد و فرمود: «پس از دو روز حرکت، نامه را گشوده به مضمون آن عمل کن». عبدالله نیز پس از دو روز حرکت نامه را گشود، مضمون آن چنین بود: «چون نامه را خواندی، به راه خود ادامه بده و چون به سرزمین «نخله» رسیدی، فرود آی و کاروان قریش را زیر نظر بگیر و از تصمیم‌ها و اهداف آنان اطلاعاتی به دست آور.»^۹

۳/۵ - زیر نظر داشتن فرماندهان مشکوک: پیامبر خدا(ص) بر اعمال و رفتار فرماندهان نظارت کامل داشت، بویژه فرماندهانی که ممکن بود به خطا بروند و مرتکب عملی شوند که ارزش‌های الهی را زیر سؤال ببرند.

امام رضا(ع) فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا بَعَثَ جَيْشًا فَأَتَاهُمْ أَمِيرًا بَعَثَ مَعَهُ مِنْ ثِقَاتِهِ مَنْ يَتَجَسَّسُ لَهُ خَبْرَهُ»^{۱۰}

[سیره رسول خدا(ص) چنین بود] که هر گاه لشکری را به فرماندهی فردی مَّتَّهَم، می فرستاده فرد مورد اعتمادی از افراد خود را به همراه او می فرستاد تا او را زیر نظر داشته، اخبارش را به ایشان گزارش دهد.

نکته قابل توجه این که لفظ «کان» در کلام عرب برای استمرار به کار می رود. بنابراین معنای حدیث این است که سیره همیشگی پیامبر(ص) چنین بوده است.

۳/۶- دعا برای آنان؛

عن السَّكُونِي عن ابي عبد الله(ع): اَنَّ النَّبِيَّ(ص) كان اذا بعث سرِيَّةً دَعَاها^{۱۱}
سکونی از امام صادق(ع) نقل می کند: سیره پیامبر خدا(ص) چنین بود که هر وقت سریه و گروه گشتی اعزام می کرد، برای آنان دعا می کرد.

نکته در روایت، همچون روایت قبلی این است که لفظ «کان» برای استمرار است یعنی سیره همیشگی رسول خدا(ص) چنین بوده که پس از اعزام سرایا برای پیروزی و سلامت آنان دعا می کردند.

۳/۷- تعیین چند فرمانده برای برخی سرایا؛ گاه پیامبر برای سریه ای چند فرمانده تعیین می کرد تا در صورت شهادت آنان، نیروها دچار هرج و مرج نشوند. در جنگ موته سه فرمانده تعیین کرد، فرمانده اول: جعفر بن ابیطالب، فرمانده دوم: زید بن حارثه و فرمانده سوم: عبدالله بن رواحه، و فرمود: اگر او نیز شهید شد، نیروها خود یکی را به عنوان فرمانده انتخاب کنند.^{۱۲}

نتیجه گیری

پیامبر اکرم(ص) با اعزام سرایا به مناطق گوناگون به اهداف استراتژی و دکترین خود دست یافت، ضمن آنکه نیروها با مناطق جغرافیایی و قبائل عرب آشنا شده و با مانورهای نظامی، خود را برای رویارویی با جنگ های بزرگ کاملاً آماده کرده بودند. در عین حال توانستند هم اشرار را سرکوب و هم راههای تجاری قریش جنگ افروز و فتنه گر را ناامن سازند و ضربه اقتصادی مهمی به مشرکان وارد سازند. از سوی دیگر رسول گرامی اسلام(ص) با سفارش های مکرر می کوشید نیروهای رزمی را با اصول و قوانین و مقررات الهی و نظامی آشنا سازد و آنان را رشد دهد. لذا سفارشات آن حضرت به یک منشور ۲۱ ماده ای جهادی تبدیل شد و رعایت این منشور جهادی از جانب مسلمانان باعث شد که هیچ گاه دشمنان اسلام نتوانند بر پیامبر اسلام(ص) خرده بگیرند و آن را دستمایه فتنه گیری خود قرار دهد.

پس نوشتہا:

۱. وسائل الشیعہ ج ۱۵، ص ۵۸، ح ۱۹۹۸۵؛ الکافی ج ۵، ص ۲۷.
۲. وسائل الشیعہ، ج ۱۵، ص ۵۹؛ الکافی، ج ۵، ص ۲۹.
۳. مستدرک الوسائل ج ۱۱، ص ۳۹، ح ۱۲۳۷۹.
۴. ... والله لأن یهدی الله علی یدک رجلاً واحداً خیرٌ لک مما طلعت علیه الشمس أو غربت. (مغازی، ج ۳، ص ۱۰۷۹).
۵. ر.ک. سیرة المصطفیٰ، ہاشم معروف الحسنی، ص ۳۱۱.
۶. همان.
۷. سیرہ نبویہ، ابن ہشام، ج ۲، ص ۲۵۲-۲۵۵؛ مغازی، واقفی، ج ۱، ص ۱۳-۱۹.
۸. مغازی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۳۴۰.
۹. مغازی، ج ۱، ص ۱۳؛ سیرہ ابن ہشام، ج ۲، ص ۲۵۲.
۱۰. وسائل الشیعہ، ج ۱۱، ص ۴۴.
۱۱. وسائل الشیعہ، ج ۱۵، ص ۵۸، ح ۱۹۹۸۴.
۱۲. بحار، ج ۲۱، ص ۵۰. در منابع اہل سنت فرماندہ نخست زید بن حارثہ ذکر شدہ است. (مغازی ج ۲ / ص ۷۵۶).



پژوہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی